

سحرآمیز	آمیخته به جادو، فریبنده
جنگ چالدران	نخستین نبرد ایران در زمان صفویان با عثمانی
مقاومت	استواری، ایستادگی
دلیرانه	شجاعانه
نمناک	مرطوب
شکاف	سوراخ
باریکه	شعاع
اوج	بلندترین درجه و اندازه
طبيب	پزشک
هدهد	شانه به سر، مرغ سلیمان علیه السلام
صبا	بادی خنک از جانب شمال شرقی می وزد
سبا	نام سرزمینی در عربستان قدیم که ملکه آن به نام بلقیس مشهور است
طایر	پرنده
خاکدان	محل ریختن خاکروبه
آشیان	لانه

قلم سحرآمیز

درس دهم

جنگ چالدران با همه مقاومت دلیرانه شاه اسماعیل و سربازانش به شکست انجامید. کمال الدین بهزاد همراه شاه اسماعیل بود. یکی از سرداران، زخمی شده بود. کمال الدین بهزاد همراه با شاه محمود نیشابوری او را به غاری در آن نزدیکی رساندند. غار، تاریک و نمناک بود. قطره‌های آب از شکاف سقف می‌لغزید و از روی توده‌ای آهکی که از سقف آویزان بود، پایین می‌آمد و از نوک آن به کف سنگی غار می‌چکید. باریکه‌ای از نور خورشید به داخل غار می‌تابید و فضا را روشن می‌کرد. کمال الدین تکه چوب نیم سوخته‌ای برداشت و روی دیوار غار، تصویر مرغی را کشید که رو به سقف غار اوج گرفته بود. شاه محمود و سردار زخمی، مرغ را نگاه کردند. کمال الدین زیر تصویر با خط خوش نوشت:

ای خدعه صبا به سبا می‌فرستم بگر که از کجا به کجا می‌فرستم
حیف است طایری چو تو، در خالده انغم زین جا به آشیان وفا می‌فرستم

ای باد صبا تو را به عنوان پیک به سرزمین سبا (به عنوان پیک حضرت سلیمان(ع)) می‌فرستم. ببین چقدر ارزش برای تو قائل هستم و تو را از کجا به کجا می‌فرستم.

پرنده‌ای چون تو حیف است در دنیای خاکی باشد. (انسان در دنیای خاکی زندگی می‌کند.) بنابراین تو را به سمت سر منشأ عشق و وفاداری می‌فرستم. (جایگاه خاکی را به سوی جایگاه معنوی ترک کن

معنی واژگان و آرایه های درس ۹ قلم سحر آمیز و دو نامه

۱۱ ای هدهد صبا به سبا می فرستمت / بنگر که از کجا به کجا می فرستمت

ج. ای پیام آور صبحگاهی! تو را به سرزمین سبا می فرستم. نگاه کن که تو را به کجا می فرستم؟!

هدهد: پرندۀ ی شانه به سر صبا: باد صبحگاهی سبا: نام سرزمینی است

هدهد صبا: اضافی تشبیهی بین صبا و سبا آرایه ی جناس هست

این بیت تلمیح دارد: ۱- به داستان حضرت سلیمان (ع) ۲- به آیه ی اذهب بکتابنا هذا (سوره ی نمل)

۲- حیف است طایری چو تو، در خاکدان غم / زین جا به آشیان وفا می فرستمت

ج. پرندۀ ای چون تو حیف است در دنیای خاکی باشد. (انسان در دنیای خاکی زندگی می کند). بنابراین تو را

به سمت سر منشأ عشق و وفاداری می فرستم. (جایگاه خاکی را به سوی جایگاه معنوی ترک کن)

حیف: ستم، ظلم طایر: پرندۀ خاکدان غم: زمین غم آلود



سید جمال آرام و قرار نداشت. گاه در مصر بود، گاه در استانبول، گاه در افغانستان و گاه در هند. همه جا مردم را به آگاهی و مبارزه با استعمار و بیدادگری دعوت می کرد. این روحانی پر شور به انگلیس که رسید، زبان انگلیسی را در مدتی کوتاه آموخت تا به این زبان سخنرانی کند و با اندیشمندان آنها به گفت و گو بنشیند. در فرانسه به فرانسوی می نوشت و در مصر به عربی سخنرانی می کرد. این ایرانی پر شور وقتی نیزنگ استعمار را در کشورش دریافت، نامه ای به مرجع تقلید شیعیان، میرزای شیرازی، نوشت تا تنباکو را تحریم کند. میرزای بزرگ این مرجع شجاع و بزرگوار، سرانجام، فتوای تاریخی را صادر کرد:

«بسم الله الرحمن الرحيم، اليوم... استعمال قوتون و تنباکو، در حکم محاربه با امام زمان صلوات الله و سلامه علیه است.»
دو نامه سید جمال الدین اسدآبادی و میرزای بزرگ، کار خود را کرده بود: قلیان ها شکسته شد؛ تنباکو تحریم شد؛ شاه به تنگنا افتاد و توطئه انگلیس شکست خورد.

معنی کلمات دو نامه فارسی هشتم

بیدادگری: ظلم نیزنگ: حيله تقليد: پیروی

فتوا: دستور دینی تحریم: حرام شمردن، حرام دانستن اليوم: امروز، هم اکنون

استعمال: استفاده در حکم: مانند محاربه: جنگ

تنگنا: محدودیت توطئه: حيله ، مقدمه چینی برای رسیدن به امری

استعمار = آبادانی خواستن ، در مفهوم سیاسی به معنی تسلط کشور قدرتمند بر کشور ضعیف تر برای غارت منابع آن کشور است / استعمال = استفاده کردن ، به کار بردن

/تنگنا = سختی ، دشواری

/توطئه = نقشه کشیدن برای نابودی کسی یا چیزی

/خاکدان = محل ریختن خاک روبه ، در اینجا مقصود از این جهان است

/سبا = نام سرزمینی در عربستان که ملکه ای قدرتمند به نام بلقیس داشت

/سحر آمیز = فریبنده ، آمیخته به جادو

/صبا = باد خنکی که از شمال شرقی می وزد

/طایر = پرنده ، پرواز کننده

/محاربه = با یکدیگر جنگیدن

/مرجع تقلید = مجتهدی که در مسائل دینی از او پیروی کنند

/منزلت = شان ، درجه ، مقام

/نیرنگ = سحر ، جادو

/هد هد = شانه بسر ، یکی از پرندگان حضرت سلیمان.

حکایت

نام خوش بو

یکی از عارفان روزی در راه، کاغذی دید که نام مبارک پروردگار
(بسم الله) بر آن نوشته شده بود و مردم پا بر آن می نهادند و می گذشتند.
ایستاد و کاغذ را برگرفت و آن کاغذ را معطر گرداند و اندر شکاف دیوار
نهاد تا از آسیب پای رهگذران در امان باشد.
مدت ها گذشت. شبی به خواب دید که ندایی به او می گوید: «ای
دوست! نام من خوش بو کردی و مرا بزرگ داشتی و حرمت نهادی.
ما نیز نام تو معطر گردانیم، در دنیا و آخرت تو را بزرگ و کرامی خواهیم
داشت.»



رساله قشیریه، ابوالقاسم قشیری

ج. یکی از عارفان (بشرین حارث) روزی در راه کاغذی دید که نام مبارک پروردگار (بسم الله) بر آن نوشته شده بود

و مردم پا بر آن می نهادند و می گذشتند. ایستاد و کاغذ را برگرفت و آن کاغذ را معطر گرداند و اندر شکاف

دیوار نهاد تا از آسیب پای رهگذران در امان باشد.

مدت ها گذشت. شبی به خواب دید که ندایی به او می گوید: «ای دوست نام من خوش بو کردی

و مرا بزرگ داشتی و حرمت نهادی. ما نیز نام تو معطر گردانیم در دنیا و آخرت تو را بزرگ و گرامی خواهیم داشت.»

معنی کلمات حکایت خوش بو

عارف :خداشناس

مبارک : با برکت ، خجسته ، فرخنده

بِسْمِ اللَّهِ : به نام خدا

معطر: خوشبو

اندر) :حرف اضافه) به معنی در باشد که بعربی فی گویند

شکاف : درز، رخنه، روزنه، سوراخ،

آسیب : زخم ، صدمه . رنج . آفت ، بلا . آزار . زیان ، ضرر .

رهگذر: عابر پیاده، مسافر

امان :ایمن شدن ، بی ترس و بیم گردیدن

ندا: بانگ و فریاد

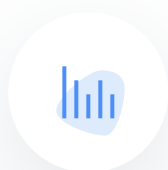
////////////////////////////////////

درس یازدهم :: پرچم داران



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد